مذاکره با دست فرمان ایران

کاخ سفید برای دستیابی به توافق با تهران و خروج از باتلاق جنگ، باید به شروط بر حق ایران تمکین کند

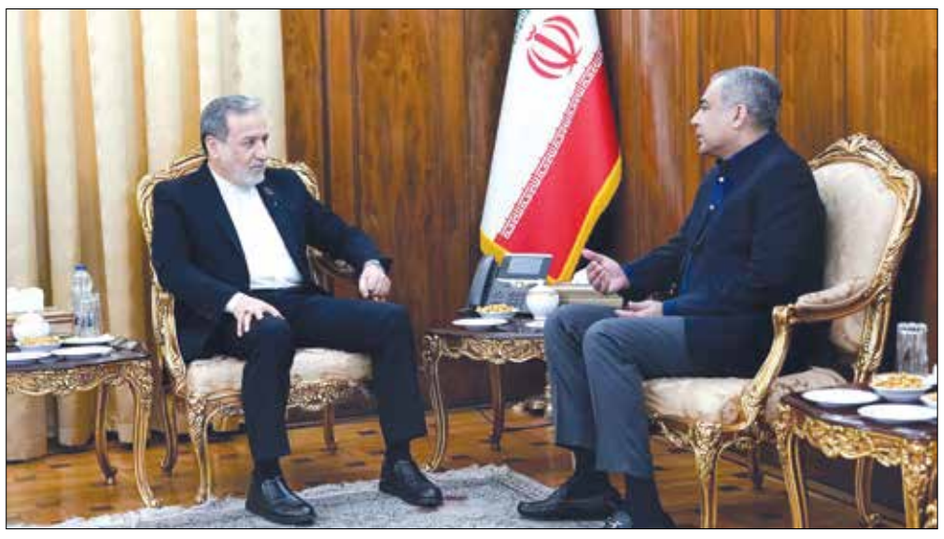

مذاکرات غیرمستقیم جمهوری اسلامی ایران و آمریکا با میانجی‌گری پاکستان ادامه دارد و حتی روی دور تند نیز قرار گرفته است. درهمین چارچوب، عاصم منیر، فرمانده ارتش پاکستان بار دیگر رهسپار ایران شد تا با مقام‌های بلندپایه کشورمان دیدار کند. این سفر همزمان با حضور سید محسن رضا نقوی، وزیر کشور پاکستان در تهران برای سومین روز متوالی صورت گرفت.

اخبار و گزارش‌ها نشانه‌های متعددی از دست برتر ایران را هم در میدان نبرد و هم در میز دیپلماسی نشان می‌دهد. براساس آخرین تحولات، تیم مذاکره‌کننده ایرانی در حال بررسی دقیق آخرین پیشنهادهای طرف آمریکایی است و بر سر اصول و شروط راهبردی خود با قاطعیت ایستاده است.

شرط‌گذاری ایران؛ چانه‌زنی آمریکا

در منطق همه جنگ‌های تاریخ، طرفی که با ابزار نظامی نتوانسته به اهداف اعلامی و پنهان خود دست یابد، حق ندارد در مرحله آتش‌بس و مذاکره، آنچه را با زور، ترور و جنایت به‌دست نیاورده، مطالبه کند. آمریکا و رژیم صهیونیستی نیز پس از سال‌ها طراحی، بسیج تمام امکانات نظامی پیشرفته، تحریم‌های گسترده و عملیات‌های ترکیبی، نتوانستند جمهوری اسلامی ایران را به تسلیم وادار کنند یا آن را از مسیر مقاومت بازدارند. درخواست مذاکره و آتش‌بس از سوی طرف متجاوز، خود بهترین گواه بر ناکامی استراتژیک «دشمن آمریکایی-صهیونیستی» است. بنابراین طرف شرط‌گذار، به‌طور طبیعی جمهوری اسلامی ایران است و آمریکا تنها می‌تواند بر سر جزئیات طرح پایان جنگ که بر پایه شروط منطقی و عادلانه ایران تنظیم شده، چانه‌زنی کند.

شروط اصلی ایران بر پایه اصول زیر استوار است:

- پرداخت غرامت کامل خسارات جنگ توسط متجاوز به ایران و آسیب‌دیدگان.
- آزادسازی فوری همه اموال، دارایی‌ها و ذخایر مسدودشده ایران در بانک‌های خارجی.
- خروج کامل نیروهای تروریستی و متجاوز آمریکایی از پایگاه‌های اطراف ایران و منطقه.
- پایان فوری محاصره غیرقانونی و جنگی دریایی.
- توقف کامل هرگونه تعرض به جبهه مقاومت در همه محورها.
- لغو همه تحریم‌های ظالمانه یک‌جانبه و چندجانبه و قطعنامه‌های تحریمی علیه ایران.

پذیرش این شروط توسط آمریکا، نه‌تنها به‌معنای پایان جنگ خواهد بود بلکه پیروزی تاریخی دیپلماتیک ایران پس از پیروزی میدانی را ثبت خواهد کرد. این دستاورد به جهانیان نشان می‌دهد که آمریکا با تمام قدرت نظامی، اقتصادی و رسانه‌ای خود، نتوانست اراده ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی را بشکند.

تنگه هرمز: حق مسلم و آورده راهبردی ایران

یکی از مهم‌ترین محورهای غیرقابل عقب‌نشینی، حاکمیت کامل و تثبیت‌شده ایران بر تنگه هرمز است. این تنگه، آورده طبیعی جنگ برای ایران است و نیازی به «مذاکره برای گرفتن آن» ندارد؛ بلکه باید به‌صورت رسمی و حقوقی تثبیت شود. کنترل تنگه هرمز برای تضمین امنیت ملی ایران در خلیج فارس، جلوگیری از باج‌گیری برخی دولت‌های حاشیه‌ای و احقاق حقوق مادی ملت ایران از طریق دریافت عوارض منطقی ضروری است. دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی همزمان در حال پیگیری توافقات دوجانبه با عمان بر پایه منافع مشترک است تا این حاکمیت به‌صورت پایدار و مورد توافق همسایگان تثبیت شود. بدیهی است هرگونه اقدام غیرقانونی دشمن علیه شناورهای ایرانی در آب‌های بین‌المللی، با تقویت کنترل ایران بر تنگه، پاسخ متناسب خواهد گرفت. از منظر نمادین نیز، حاکمیت جدید ایران بر این آبراه حیاتی، جریمه سنگین تجاوز دشمن به خاک مقدس جمهوری اسلامی است و در هر محاسبه آینده دشمن باید این متغیر مهم لحاظ شود.

پرونده هسته‌ای؛ موکول به مرحله پس از جنگ

جمهوری اسلامی تاکید دارد که هرگونه گفت‌وگوی جدی در حوزه هسته‌ای، تنها پس از پایان قطعی جنگ و تثبیت شروط پایان درگیری انجام خواهد شد. ایران در طول تاریخ فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای خود، هیچ‌گاه از اصول و حقوق اساسی خود کوتاه نیامده است. حق غنی‌سازی و دارابودن چرخه کامل سوخت، حقی مسلم و به‌رسمیت‌شناخته‌شده توسط قوانین بین‌المللی است و هیچ کشوری حق ندارد خود را جایگزین آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و قواعد جهانی کند. آمریکا و رژیم صهیونیستی با جنگ و بمباران نتوانستند ایران را در این حوزه به عقب‌نشینی وادار کنند. موضوع «سلاح هسته‌ای» نیز طبق فتوای صریح مقام معظم رهبری و دکترین دفاعی فعلی ایران، تعریف‌شده نیست و ترامپ به‌عنوان یک متجاوز شکست‌خورده، نمی‌تواند آن را به‌عنوان دستاورد برای خود جا بزند.

بی‌اعتباری کامل ضرب‌الاجل‌های ترامپ

ضرب‌الاجل‌گذاری‌های تکراری و نخ‌نماشده ترامپ دیگر برای ایران هیچ اعتباری ندارد. این شگرد روانی تاکنون حداقل پنج بار نقض‌شده و هر بار به عقب‌نشینی آمریکا منجر شده است. ایران با صبر استراتژیک، دقت و ظرافت، در حال تدوین سند پایان جنگ است و اجازه نخواهد داد این تهدیدهای زمان‌دار، روند دیپلماسی را به عجله و تصمیم‌گیری احساسی بکشاند. واضح است جنگی که برای دشمن دستاوردی نداشته، تکرار آن نیز نمی‌تواند دستاورد جدیدی ایجاد کند.

پیام‌های میدانی جبهه مقاومت

درمیانه تحولات دیپلماتیک، سکوت معنادار و عجیب آمریکا و رسانه‌های غربی در برابر حوادث امنیتی اخیر در تنگه باب‌المندب و اطراف جزیره سقطری، بسیار قابل تامل است. این حوادث که ظاهرا ناشی از اقدامات نیروهای یمنی بوده و حتی منجر به مسدودشدن موقت تنگه شده، هشداری شفاف از سوی جبهه گسترده مقاومت است که هرگونه جنگ‌افروزی جدید، دامنه درگیری را به دریای سرخ، خلیج عدن و فراتر از آن گسترش خواهد داد.

همزمان، حوادث زنجیره‌ای انفجار و آتش‌سوزی در حداقل پنج پالایشگاه و مجتمع پتروشیمی در خاک آمریکا، نشان‌دهنده عصر جدیدی از تهدیدهای نامتقارن و مبتنی بر فناوری است. این حوادث به دشمن گوشزد می‌کند که دانش سایبری و فناوری اطلاعات امروز می‌تواند بدون هزینه‌های نظامی کلاسیک و محدودیت‌های جغرافیایی، ضربات سنگین اقتصادی وارد کند. جمهوری اسلامی ایران با مقاومت حماسی در میدان نبرد و دیپلماسی هوشمندانه و مقتدرانه در میز مذاکره، در حال ثبت یک پیروزی تاریخی است. هر توافقی که شروط منطقی ایران را تامین کند، به‌معنای آن است که متجاوز آمریکایی-صهیونیستی نتوانسته با تمام قدرت خود به اهداف شومش برای سرنگونی یا تضعیف نظام جمهوری اسلامی برسد. پس از پایان جنگ، هر مذاکره دیگری با دست برتر ایران و بدون فشار نظامی انجام خواهد شد. ایران نسبت به اجرای دقیق تعهدات طرف مقابل نظارت کامل خواهد داشت و هرگونه تخلف را با ابزارهای در اختیار پاسخ خواهد داد.

یادداشت

دکتر محمدحسن زورق | استاد دانشگاه

ملی‌گرایی؛ آری یا نه؟

در دوران معاصر همواره ملی‌گرایی مسأله‌ای مناقشه‌آمیز و مخاطره‌انگیز تلقی شده است. اوج ملی‌گرایی نوین در اوایل قرن بیستم یعنی دقیقا با انحلال امپراطوری رومی عثمانی و با کوچک‌سازی میراث امپراطوری صفوی مخصوصا در دوران قاجار به‌وسیله روس و انگلیس و پیدایش حرکت‌هایی با عناوین پان ترکیسم، پان ایرانیسم و پان عربیسم به اوایل قرن بیستم یعنی به دوران آتاتورک در رومیه قدیم و ترکیه جدید و رضاخان و پسرش محمدرضا در ایران و میشل عفلق در جهان عرب بر می‌گردد. نکته جالب آن که سرنخ تمام این حرکت‌ها در دست حلقات تصمیم‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌های غربی بوده است. میشل عفلق با آن که خود عرب نبود و یونانی بود گفت ملت عرب باید بکوشد تا بقیه ملل جهان به سطح سجایای ملت عرب برسند و بدین صورت خواست اعراب را فریب دهد و آنها را از اسلام دور کند. آتاتورک نیز که اصولا یونانی بود، خود را پدر ترک‌ها نامید و رضاخان خود را پدر ایرانی‌ها نامید و میرزاده عشقی درباره‌اش گفت: «پدر ملت ایران اگر این.... است- برچنین ملت و گور پدرش باید....» بدین ترتیب ملی‌گرایی و غربگرایی و استعمار و سلطه سیاسی مستقیم و غیرمستقیم غرب بر مناطق اسلامی تقریبا با هم در یک پیوستار و پرونده قرار گرفتند و موجبات بسیاری از مناقشات و مخاطرات را فراهم آوردند. برای حل این مناقشات و کمک به برطرف ساختن مخاطرات احتمالی نخست باید به معنی لغوی «ملت» و سپس به معنی آن در جامعه‌شناسی سیاسی مراجعه کنیم. در لغت، «ملت» به معنی آیین، راه، روش و کیش آمده است. از این رو ملت در لغت معنایی قریب به معنای دین پیدا می‌کند. در قرآن مجید از «ملت ابراهیم» سخن به میان آمده که به معنی راه و روش و آیین و دین ابراهیم است. ملت با این معنی نمی‌تواند مخالفتی با دین اسلام داشته باشد. در جامعه‌شناسی سیاسی ملت به معنی گروهی از مردم است که با هم سرزمین مشترک، تاریخ مشترک، دین مشترک، خط مشترک، زبان مشترک و فرهنگ مشترک دارند. مانند مردم در چین یا هند یا در ظرف جغرافیایی تمدن اسلامی. پس از قرارداد وستفالی که بین سران غرب منعقد شد و پایه‌گذاری طرح جهانی (Nation-State) به منظور استیلا بر جهان به‌ویژه بر ظرف جغرافیایی تمدن اسلامی، نظریه‌پردازان غربی کوشیدند مفهوم ملیت را به گونه‌ای توضیح دهند که سبب پایداری مرزهای سیاسی که براساس منافع ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک غرب کشیده شده، شود یعنی مرزهایی از قبیل مرزهای مشهور به مرزهای ساکس-پیکو. بر این اساس بر عناصری نظیر قومیت مشترک، دولت و اساطیر مشترک تاکید ویژه شد در حالی که هیچ ملت غربی نیست که صرفا از یک قوم تشکیل شده باشد. بریتانیا از اقوام اینگل، ساکسون و اهالی ولز و اسکاتلند و ایرلند و... تشکیل شده و گذشته از این اقوام تا ابتدای قرن بیستم که تمام اقوام ساکن در کشورهای کامنولث از آفریقای جنوبی تا شبه قاره هند زیر پرچم بریتانیا قرار گرفته بودند. ایالات متحده آمریکا که یک بقچه چهل تکه است و از هر قومی که در اطراف جهان هست، در آن کسانی هستند و همه آمریکایی نامیده می‌شوند. تاکید بر دولت مشترک به دین منظور بود تا دور هر چاه نفت خطی بکشند و مرزی بسازند و برای نگاهبانی آن دولتی بیافرینند و آن را یک کشور مستقل بنامند و در عین حال بازار خیمه شب‌بازی سازمان ملل را به نفع سیاست‌های خود به وسیله آنها گرم کنند و این چنین شد که پدیده‌هایی نظیر کویت، بحرین، قطر، امارات متحده عربی، سودان جنوبی، برونئی، [شاید در آینده اقلیم کردستان]، جمهوری آذربایجان و.... پدیدار شدند که همه با نفس مصنوعی غرب تنفس می‌کنند و همه برای ادامه بقای خود به حضور پایگاه‌های غربی نیاز مندند چون ریشه در تاریخ و فرهنگ و هویت تاریخی این منطقه ندارند و همه زائده‌ای بر قدرت‌های غربی هستند. بعضی از مرزها در ظرف جغرافیایی تمدن اسلامی با خط کش کشیده شده‌اند. نگاه کنید به مرزهای میان مصر و لیبی یا بین نیجر و الجزایر یا بین مصر و سودان یا بین عربستان و یمن و خارج از آن مثل مرزهای نامیبیا و بوتسوانا. بعضی از مرزها فقط برای ملاحظات ژئوپلیتیک براساس منافع غرب کشیده شده‌اند مثل مرز شیلی و آرژانتین که بر روی خط الراس سلسله جبال آند است. در این میان ظرف جغرافیایی تمدن اسلامی سرگذشت ویژه‌ای یافت. حقیقت این است که بعثت نبوی یک انقلاب جهانی را در سده نخست هجری پدید ساخت و ارتجاع عرب سوار بر امواج اسلام طلبی مردم، امپراطوری‌های اموی و عباسی را تاسیس کرد.

تاریخ در ظرف جغرافیایی تمدن اسلامی یک ملت ساخت با زمین مشترک، دین مشترک، خط مشترک و سه زبان عربی، فارسی و ترکی، فرهنگ مشترک و حتی نژاد مشترک که از آمیزش بین نژادهای بزرگ بشری به وجود آمده و حد واسط بین نژادهای بزرگ بشری است و ما به آن نژاد گونه تمدن اسلامی می‌گوییم و در ظرف جغرافیایی تمدن اسلامی زندگی می‌کند. به این دلیل است که مردم در اسپانیا و پرتغال و الجزایر و تونس و مصر و عربستان و عراق و ایران و افغانستان و تاجیکستان و... این اندازه به هم شبیه هستند. آری ما مردمی که در ظرف جغرافیایی تمدن اسلامی زندگی می‌کنیم، یک ملت هستیم با زمین و تاریخ و نژاد و دین و خط و فرهنگ و سرگذشت و سرنوشت مشترک و سه زبان عربی، فارسی و ترکی. کشور سوئیس با جمعیتی که به ۱۰ میلیون نفر نمی‌رسد سه زبان رسمی فرانسه، آلمانی و ایتالیایی دارد. برای قرن‌ها دولت مشترک هم داشتیم هرچند دولت شایسته‌ای نبود مگر این دولت‌های عرب و غیر عرب که در ظرف جغرافیایی تمدن اسلامی هستند، امروز همه شایسته هستند؟ غرب برای این که این ملت بیدار نشود و سرنوشت خود را به دست نگیرد، دست به اقداماتی زد نظیر: یکم: انکار هویت ملی مردمی که در ظرف جغرافیایی تمدن اسلامی زندگی می‌کنند و یک ملت هستند و ما آن را به نام ملت محمد رسول‌الله (ص) می‌شناسیم. این ملت هست. زنده است. زمین و تاریخ و نژاد و دین و خط و فرهنگ و هویت و خاطرات و اسطوره‌ها و قهرمانان مشترک دارد. هرچند به ضرب شمشیر غرب قطعه قطعه شده است. نوح نبی‌الله (ع)، ابراهیم خلیل‌الله (ع) موسی کلیم‌الله (ع)، عیسی روح‌الله (ع) و محمد رسول‌الله (ع) قهرمان همه قهرمانان‌اند و متعلق به این ملت هستند. جنگ‌های بدر و احد و خندق و حنین جزو خاطرات این ملتند ولی غرب با صراحت تمام، این ملت را انکار می‌کند و همه عوامل غرب خود را موظف به انکار آن می‌دانند.

دوم: غرب می‌کوشد تاریخ قبل از اسلام قطعات مربوط به ظرف جغرافیایی تمدن اسلامی را از زیر خاک قرون بیرون بکشد و با برجسته‌سازی، تاریخ دوران دور را جانشین کل تاریخ این ظرف گرداند یا یک تاریخ بدلی را برای آن بتراشد.

متن کامل را در جام جم آنلاین بخوانید

یادداشت

علی‌اکبر اشعری | پژوهشگر ارشد مسائل فرهنگی

از میدان رزم تا میدان خدمت

رهبر گرانمایه انقلاب اسلامی در بخشی از پیام خود به مناسبت روز پاسداشت زبان فارسی و بزرگداشت فردوسی چنین فرمودند: «این حماسه حضور و دفاع و پیروزی، تکلیف بزرگی را بر دوش اهالی فرهنگ و ادب و هنر می‌گذارد تا همچون فردوسی برخیزند و بعثت هنرمندان را در امتداد بعثت مردم رقم زنند؛ فکر و قلم و زبان را با هنر درآمیزند و روایت خیزش عظیم ملّت را در تاریخ، ماندگار کنند.»

امروز جامعه ما در چهارجبهه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی در نبرد مستقیم و غیر مستقیم با دشمن آمریکایی- صهیونی است. هرچند نظامیان شجاع و غیور ما توانسته‌اند با استفاده از ابزار و تاکتیک‌های ابتکاری و غافلگیرکننده خود سیلی‌های مکرر و مؤثری به دشمن بزنند و آرایش نظامی و قدرت‌آفندی و پدافندی او را به چالش بکشند و این موفقیت‌ها توانسته در عرصه‌های سه‌گانه دیگر نبرد با دشمن نیز تأثیر بگذارد، اما به نظر می‌رسد جامعه امروز ما نیازمند به الگوبرداری از سبک و سیره نظامیان در سه عرصه دیگر است؛ یعنی تشکیل سه قرارگاه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی نیز هست. هرچند حضور فعال رئیس محترم مجلس شورای اسلامی در نقش مدیریت گروه مذاکره‌کننده و نیز فعالیت معاون اول محترم رئیس جمهور در عرصه اقتصاد تا حدودی این منظور را برآورده می‌کند، اما نه همه عرصه نبرد سیاسی ما در مذاکره خلاصه می‌شود و نه همه نبرد اقتصادی ما در دولت. در حوزه فرهنگ هم که جز اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی به‌هنگام و موفق رسانه ملی اتفاق ویژه‌ای نیفتاده است.

اگر امروز بیش از ۳۰ میلیون نفر از مردم کشورمان تحت عنوان عناصر جان فدا آمادگی خود را برای حضور فعال در عرصه نبرد با دشمن اعلام کرده‌اند و فرماندهان نظامی ما هوشمندانه مشغول آموزش و آماده‌سازی این جمعیت وسیع در حوزه عملکردی خود هستند، قرارگاه‌های اقتصادی، سیاسی و به‌ویژه فرهنگی نیز خواهند توانست مردم اعم از ایرانیان و انسان‌های برانگیخته شده دنیا- به ویژه جبهه مقاومت- را برای حضور فعال و مؤثر در این رویارویی بسیج کنند.

یادداشت

حجت‌الاسلام دکتر رضا رمضان نرگسی | استاد پژوهشگاه امام خمینی (ره)

مذاکره ضمانت ندارد

اول: هیچ قاعده بین‌المللی نمی‌گوید برای مذاکره باید اول آتش‌بس کنید. ویتنام و آمریکا همزمان هم می‌جنگیدند و هم پیام رد و بدل می‌کردند. روسیه و اوکراین هم امروز همین کار را می‌کنند.

دوم: لزومی ندارد رودررو بنشینید. دیپلماسی جنگ برپایه رد و بدل پیام از کانال‌های غیرمستقیم است.

لازم نیست با هیأت عالی‌رتبه ایرانی و در این شرایط امنیتی و زمانی که دشمن گستاخ مستقیما درباره ترور شما صحبت می‌کند در مقابل آمریکا حاضر شوید!

سوم: واضح است که مذاکره فقط به نفع آمریکاست. مهم‌ترین برگ برنده ایران را دشمن خنثی می‌کند که همین فضای روانی بازار انرژی است و امکان خلق موقعیت‌های جدید مانند استمرار محاصره دریایی ایجاد می‌شود.

چهارم: ترامپ شیاد زمانی که بازارهای جهانی در آستانه رسیدن به نقاط بحرانی است (دقیقا نقاطی که قرار است برای ما ایجاد بازدارندگی کنند) از مذاکره و آتش‌بس سخن به میان می‌آورد و نمی‌گذارد ایران موقعیت خود را تثبیت کند.

پنجم: در کشور حتی یک نفر اعتقاد ندارد که توافق با ترامپ ضمانت اجرایی دارد و حتی اگر ترامپ ۱۰ شرط ایران را مبنا قرار بدهد- که حتی در توییتر خود این کار را یک بار کرد- توافق بی‌معناست. توافق زمانی معنادار می‌شود که اقتصاد آمریکا در یک بحران بزرگ و ادامه‌دار فرو رفته و عملا سایه جنگ از سر کشور کنار برود.

ششم: از گزند دیدن زیرساخت‌ها نترسید. اگر ترامپ درباره این موضوع قاطعیت داشت این موضوع را چند بار عقب نمی‌انداخت. اگر تصمیم قطعی در این باره داشته باشد، مذاکره شما کمکی به حل این ماجرا نمی‌کند.

هفتم: نهایتا این که سایه جنگ بسیار خطرناک‌تر از گزند دیدن زیرساخت‌ها یا هر اتفاق ناگوار دیگری است.

از شما ملتمسانه می‌خواهیم حداقل تا چند ماه دیگر جنگ را ادامه بدهید. شک نکنید مردم مبعوث ایران کشورشان را بعد از جنگ خواهند ساخت.

یادداشت

شهاب‌الدین بنائیان | پژوهشگر مسائل فرهنگی

مثلی لا یُبایع مثله...

این مطلب را می‌نویسم تا به یادگار بماند: ترامپ و سایر سران دنیای سلطه، به‌واسطه ذات استکباری و خوی برتری‌جویی‌شان، پای هیچ توافقی را که موجب ارتقای جایگاه و نقش منطقه‌ای و جهانی ایران قوی گردد، امضا نخواهند کرد. آنها برای براندازی و سیطره کامل بر ایران، به جنگ ما آمده‌اند نه با قصد به رسمیت شناختن حقوق مسلم ایرانیان.

تمام مسأله این است: با حربه مذاکره، به سرمایه اجتماعی نظام که بخش غیرقابل نفوذ و قدرتمند آن، همین مردم اجتماعات شبانه کف خیابان هستند، خلل و خدشه وارد آورند و وقتی از اقتدار و اعجاز بی‌بدیل پشتیبانی مردم انقلابی نسبت به تفکر عزت‌بخش مقاومت کاسته شد، از همه جهات و به‌صورت گسترده ایران را مورد هجوم قرار دهند و تا آنجا که می‌توانند ضمن اشغال نظامی کشور، بر گاز و نفت و انرژی و معادن و آب و خاک پرگوهر ایران بزرگ سلطه یابند. البته این رویا، به فضل الهی هیچ‌گاه محقق نمی‌شود و خدای متعال اجازه نخواهد داد نقشه شوم دشمنان دون‌صفت و ابدی امیرالمومنین(ع) و خاندان عترت به اجرا درآید و آنان از نبردهای نرم و سخت خویش برای پیشبرد اهداف شیطانی طرفی ببندند. البته به‌شرطی که ما محبان و ارادتمندان اهل بیت عصمت و طهارت(ع) از آموزه‌های گرانبهای آن ذوات مقدس پیروی کنیم و بدانیم کلام بلند، هویت‌ساز، عزت‌آفرین و جانفزای رهبر آزادگان جهان حضرت اباعبدالله الحسین(ع) که به یزید ملعون و اصحاب پلید ابوسفیان در طول تاریخ فرمود: «مِثلی لا یُبایع مِثلَه»، یک راهبرد همیشگی برای اعلای کلمه حق و ابطال جریان تباه باطل است.

خبر

رئیس جمهور:

رسانه‌های صهیونیستی اجازه دیدن واقعیت‌ها را به مردم نمی‌دهند

رئیس جمهور با تأکید بر این‌که روابط عمومی‌ها می‌توانند آگاهی مردم را افزایش دهند، گفت: رسانه‌های صهیونیستی اجازه دیدن واقعیت‌ها را به مردم نمی‌دهند. مسعود پزشکیان در گفت‌وگو با خبرنگار پایگاه اطلاع‌رسانی دولت، درباره روابط عمومی‌ها گفت: هرچقدر روابط عمومی بتواند نفوذ و دایره عمل خود را افزایش دهد، یعنی وظیفه و رسالت خود را به‌خوبی انجام داده است. وی افزود: اگر روابط عمومی‌های ما بتوانند نفوذ خود را فراتر از مرزهای جغرافیایی افزایش دهند و اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی را گسترش دهند، اتفاق مهمی رقم خواهد خورد. رئیس جمهور ادامه داد: امروز بخشی از رسانه‌ها در اختیار صهیونیست‌ها هستند و اجازه نمی‌دهند مردم واقعیت‌ها را ببینند اما با امکانات موجود و فضای مجازی، روابط عمومی‌ها می‌توانند این نفوذ را عمیق‌تر و گسترده‌تر کرده و سطح آگاهی را افزایش دهند. پزشکیان تأکید کرد: این رسالت بزرگی است که بر عهده فعالان حوزه روابط عمومی قرار دارد.

قدردانی سپاه از خالقان حماسه اجتماعات شبانه مردمی

روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خطاب به دست‌اندرکاران، برگزارکنندگان و خالقان حماسه اجتماعات شبانه مردمی، پیام قدردانی صادر کرد.

در این پیام آمده است: شما مردم مبعوث‌شده بصیر و آگاهی که این ۸۰ و چند شب پرشور که طوفانی از «سرمایه اجتماعی» و «وحدت ملی» بود، در برابر چشمان حیرت‌زده جهانیان، ماهیت مستحکم و بازدارنده نظام اسلامی را به رخ دشمنان کشیدید و با پیوند قلبی و رفتاری با نیروهای نظامی میدان نبرد سخت، ثابت کردید که حماسه‌آفرینی در جمهوری اسلامی، نه تصادفی، که برآمده از یک اراده اعتقادی و ایمانی، باورمند به منافع ملی و میهنی، هماهنگ و عاشقانه است. روابط عمومی سپاه تاکید کرده است: بی‌تردید همه شما نقش‌آفرینان فهیم و شورانگیز این حماسه‌سازی، همراه رزمندگان صف کشیده در برابر دشمن، وعده داده‌اید که تا پایان راه و تحقق اهداف عالیه انقلاب و مقاومت تاریخ‌ساز، در صحنه هستید چه در زمان نبرد نظامی و چه در زمان نبرد مذاکره، چه این‌که می‌دانید مذاکره، صحنه دیگری از کارزار میدان نبرد است که نیازمند استمرار حضور مقتدرانه و پرشور در خیابان و پشتیبانی از افسران عرصه دیپلماسی تا کسب پیروزی نهایی است و این «وعده صادق»، بزرگ‌ترین سپر دفاعی کشور عزیزمان ایران است.

خباثت جدید اروپا علیه ایران

اتحادیه اروپا در اقدامی مداخله‌گرایانه ضمن نادیده گرفتن حق مشروع کشورمان در کنترل تردد دریایی ایمن از مسیر تنگه هرمز از گسترش چارچوب تحریمی این نهاد علیه ایران به بهانه محدودسازی آزادی دریانوردی خبر داد. این تحریم‌ها افراد و نهادهایی را هدف قرار خواهد داد که براساس تشخیص اروپایی‌ها در اقداماتی با هدف آنچه که تحدید آزادی دریانوردی در خاورمیانه، به‌ویژه در تنگه هرمز خوانده می‌شود، مشارکت داشته‌اند. یک روز پیش از این اقدام، پارلمان اروپا در یک اقدام ضد ایرانی دیگر سه قطعنامه جداگانه درباره وضعیت حقوق بشر در ایران، افغانستان و اندونزی به تصویب رساند. در این قطعنامه‌ها ضمن متهم کردن ایران به ادامه آنچه که «سرکوب مخالفان سیاسی و اقلیت‌های مذهبی» خوانده می‌شود، نسبت به وضعیت حقوق بشر در ایران ابراز نگرانی شده است.

بیانیه وزارت خارجه در محکومیت تحریم سفیر ایران در لبنان

در پی اقدام وزارت خزانه‌داری آمریکا در تحریم محمدرضا رئوف شیبانی سفیر منتخب ایران در بیروت و همین‌طور تعدادی از نمایندگان و مسئولان لبنان، وزارت خارجه کشورمان با صدور بیانیه‌ای این اقدام را محکوم کرد. وزارت خارجه این اقدام را نمونه دیگری از یاغی‌گری و بی‌اعتنایی هیأت حاکمه آمریکا به اصول مسلم حقوق بین‌الملل و منشور سازمان ملل متحد به‌ویژه اصل بنیادین احترام به حاکمیت ملی دولت‌ها خواند و تصریح کرد: بدون تردید گروه‌ها و طوایف مختلف لبنانی با حفظ وحدت و انسجام ملی از حاکمیت ملی و تمامیت سرزمینی لبنان دفاع کرده و با دفع تجاوزات و پایان اشغالگری رژیم صهیونیستی در لبنان این رژیم را در رسیدن به اهداف شوم خود ناکام خواهند گذاشت، آمده است: جمهوری اسلامی ایران مصمم به تقویت روابط دوستانه و تاریخی با جمهوری لبنان در ابعاد مختلف و در راستای منافع دو ملت است.